

# ماهنامه

# مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

## لایحه جدید گذرنامه - مظهر دیگری از سیاست ضد دمکراتیک رژیم

بررسی ماهیت این اختلاف نظر بین مراجع مختلف هیئت حاکمه موضوع بحث کنونی ما نیست. زیرا نه تنها کلیه این مراجع در مورد اصل موضوع یعنی گسترش اختیارات سازمان امنیت با یکدیگر توافق کامل دارند، بلکه یک مقایسه سطحی بین متن لایحه‌ای که در سال ۱۳۴۹ بتصویب مجلس رسیده و لایحه‌ای که در خرداد ماه سال جاری بدنبال تغییرات وارده در مجلس سنا به مجلس احاله شده است، برای درک محتوی این کشمکش بین گروههای هیئت حاکمه، ویژه برسر مسئله استفاده از گذرنامه سیاسی و گذرنامه خدمت، کافی است. خصوصیت اصلی لایحه جدید گذرنامه مانند اکثر لوایحی که تحت تسلط رژیم کنونی تنظیم میشود، همانا جنبه عمیقاً ضد دموکراتیک آنست. لایحه جدید گذرنامه پوشش «قانونی» دیگری است، که بنا بر دنباله در صفحه ۲

کمسیون و از این مجلس به مجلس دیگر کشانده شده است. اگرچه مجلس با تصویب لایحه گذرنامه در آبانماه ۱۳۴۹، منظور اساسی دولت را در مبادرت بتجدید نظر در قانون ۱۳۱۱ بر آورد ساخت و با تفویض اختیارات وسیع سازمان امنیت عملاً اختیار صدور و تمدید گذرنامه را از وزارت خارجه وشهربانی سلب نمود، معذک سکت سه ساله دولت پس از تصویب این لایحه در مجلس و تغییراتی که در مجلس سنا در برخی از مواد آن بعمل آمد و همچنین گفتگوهائی که در جلسه ۳۰ خردادماه ۱۳۵۱ مجلس درباره گذرنامه سیاسی همسران وزراء در گرفت و بکار دیگر موجب شد که لایحه بکمسیون برگردد، نشان داد که لایحه مورد بحث هنوز بمعنای حل قطعی تمام اختلافات امتیاز طبانهای گروههای مختلف هیئت حاکمه در این زمینه نبوده است.

اکنون بیش از چهار سال است که لایحه قانون گذرنامه، یا بهتر بگوئیم لایحه تجدید نظر در قانون تذکره مصوب سال ۱۳۱۱، در مراجع دولتی مطرح است و چندین بار از این وزارتخانه بوزارتخانه دیگر از این کمسیون بآن

## توطئه برای ادامه تسلط و غارتگری کنسرسیوم بین المللی نفت آشکار میشود

در کنار مذاکرات عادی و ادواری بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت بر سر مسائلی از قبیل تولید نفت، بهای نفت، بازار نفت و نظائر آن، از سال گذشته نغمه تجدید قرار داد کنسرسیوم نفت نیز بگوش میرسد. این موضوع بحق نگرانی شدید مردم و همه نیروهای ملی و دمکراتیک را برانگیخت. بر همین اساس بود که ماهنامه «مردم» (شماره ۷۹ - مورخ بهمن ماه ۱۳۵۰) ضمن افشاء این توطئه و انعکاس نگرانی مردم ایران، بهمه نیروهای میهن پرست و ترقیخواه هشدار داد. و اینکه از اخبار جسته گریخته‌ای که در مطبوعات ایران درباره مذاکرات مردادماه شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت

منتشر شده و حاکی از موافقت در تمدید قرارداد کنسرسیوم است، معلوم میشود که نگرانی مردم ایران و هشدار حزب ما تا چه حد بجا بوده است. چنانکه معلوم است مدت قرارداد کنسرسیوم ۲۵ سال است (یعنی تا سال ۱۹۷۹)، ولی اگر کنسرسیوم بخواهد، میتواند برای سه پنجسال دیگر (یعنی تا سال ۱۹۹۴) این قرار داد را تمدید کند. از همین يك ماده روشن میشود که قرارداد کنسرسیوم تا چه حد با حق حاکمیت ملی ایران و با قانون ملی شدن صنایع نفت ایران میآینت دارد. ولی دولت ایران در مذاکرات اخیر خود با کنسرسیوم نفت درست بر سر دنباله در صفحه ۳

## سیاست خارجی دولت و خلیج فارس

یمن شمالی، میان دولت مرکزی و هواداران امام مبارزه مسلح جریان داشت، دولت ایران در کنار عربستان سعودی، همواره از پشتیبانان امام واعوان او بود. این پشتیبانی تنها جنبه دنباله در صفحه ۳

دولت ایران از رژیمهای ارتجاعی حمایت میکند خلیج فارس مرکز ثقل سیاست خارجی ایران است. نظر به اهمیت خلیج از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی برای ایران توجه دولت به خلیج فارس امری طبیعی است. ولی آیا فعالیت سیاسی دولت در خلیج فارس و در کشورهای مجاور آن، در جهت مصالح سیاسی کشور، سیر میکند؟ رژیم کنونی ایران، مدعی است که تمام فعالیت‌های آن در جهت حفظ و تحکیم ثبات سیاسی در این منطقه و در جهت اعتلاء اقتصادی و اجتماعی آن انجام میگردد. ولی يك بررسی اجمالی نشان میدهد که این ادعای رژیم با حقیقت وفق نمیدهد. بعد از خروج قوای انگلستان از خلیج فارس، عملاً دولت ایران به یار رژیمهای استبدادی و ضدملی در این منطقه تبدیل شده است. بول و اسلحه و حتی کارشناسان ایران در اختیار گروههای حاکمه‌ای هستند که علی رغم منافع و تمایلات مردم خود حکومت می کنند.

## زور پلیسی بالا گرفته است

عمله انتقام رژیم، در چند ماهه اخیر چون درندگان خون آشام بجان مردم افتاده‌اند. در کوچه و خیابان، سر چهار راه ها، حوالی خانه ها در کمین مردم می نشینند و فقط بر اساس «سوء ظن» در يك چشم به‌زدن، جوانی را در خون خویش غرقه میسازند، ساکتین يك خانه را به گلوله می بندند و یا عده‌ای را شل و پل و نیمه جان روانه بازداشتگاههای سازمان امنیت میکنند. از آغاز سال ۱۳۵۱ تا اوائل مرداد طی چهار ماه، عده‌ای تیر باران شده‌اند، تعدادی در زدو خورد های خیابانی بدست مأموران رژیم از پای در آمده‌اند و جمعی نیز بازداشت و زندانی شده‌اند. به فاکت ها مراجعه کنیم:

(۱) در تاریخ ۳۰ فروردین، چهار نفر به اسامی علی میهن دوست، باقر صادق، علی اکبری و صمد بازرگان در تهران به دنباله در صفحه ۲

بعنوان نمونه از مناسبات ایران با دو کشور ساحل خلیج، یعنی جمهوری دموکراتیک توده‌ای یمن (یمن جنوبی) و سلطان نشین عمان یاد میکنیم. جمهوری دموکراتیک توده‌ای یمن، از دولتهای مترقی خاور میانه عربی است که مردم آن بعد از سالها مبارزه مسلح برضد استعمار انگلستان و بعد از خستی کردن توطئه‌های متعدد داخلی، سرانجام چند سال پیش به استقرار يك حکومت ملی و مترقی توفیق یافته‌اند. حمایت رژیم کنونی ایران از درقبال تحولات داخلی یمن، اعم از شمالی و جنوبی، پیوسته جنبه ارتجاعی داشته است. در سالهایی که در

## مناسبات بازرگانی و اقتصادی ایران و شوروی گسترش می یابد

از ۱۱ تا ۱۸ مرداد ماه ۱۳۵۱ چهارمین اجلاس کمسیون وزیران ایران و شوروی در مسکو تشکیل بود و بررسی مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فنی بین دو کشور پرداخت. از نخستین اطلاعاتی که توسط رادو و جراید ایران در باره نتیجه این اجلاس به انتشار یافته چنین برمی آید که:

- بکمک اتحاد شوروی تولید کارخانه ذوب آهن تا ۹۹ میلیون تن در سال افزایش خواهد یافت. بدین منظور در فهرست کالاها طبق موافقت نامه پنجساله بازرگانی (که سه سال آن باقی مانده) تجدید نظر خواهد شد و حجم آن تا حدود ۴۵۰ میلیون دلار افزایش خواهد یافت.
- صدور محصولات کشاورزی ایران به اتحاد شوروی افزایش خواهد یافت. از جمله ۲۰ تا ۲۵ هزار تن گندم و ۳۰ هزار تن پنبه
- بکمک اتحاد شوروی تولید کارخانه کاغذ و محصولات صنایع دیگر در ایران احداث خواهد شد.

دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱

سیاست ضد دموکراتیک رژیم، بمنظور بسط ترور پلیسی و گسترش تسلط سازمان امنیت که عامل اصلی این ترور در کشور ماست، تنظیم گردیده است.

در واقع لایحه مزبور نه تنها استفاده کنندگان از گذرنامه را، صرفاً بر حسب مقاماتی که در دستگاه حا که احراز میکنند (نه بر اساس مأموریتها) که ممکن است در خارج بانها محمول گردد، بدو گروه ممتاز و عادی تقسیم مینماید، بلکه با صراحت تمام یکی از حقوق مسلمه مردم ایران را که عبارت از آزادی خروج از کشور و بازگشت بانست نقض میکند.

طبق این لایحه سازمان امنیت اختیار داده شده است بنا به تشخیص خود هر کس را که صلاح بداند تحت عنوان مبهم و کشدار «مخالف مصالح ملی» از حق مسافرت بخارج از کشور محروم سازد. بعبارت دیگر کلیه کسانی که در گروه امتیاز داران نامبر نشده و مشمول مقررات «گذرنامه عادی» هستند، یعنی تمام مردم ایران با استثنای گروه ممتاز هیئت حا که فقط امکان دارند با اجازه سازمان امنیت بخارج مسافرت کنند. آشکار تر از این نمیتوان با اعمال خود سرانه ساواک لباس قیاسونی پوشاند. معلوم نیست چه دلیل و طبق کدام اصل از اصول قانون اساسی ایران یک سازمان پلیسی صلاحیت می یابد، آنها تنها بازاده و بر حسب تصمیم خود «مصالح ملی» را تشخیص دهد و رأساً افراد مملکت را بدو گروه «موافق یا مخالف مصالح ملی» تقسیم نماید؟! حتی کوچکترین ضابطه ای هم برای تشخیص این باصطلاح «مصالح ملی» معین نشده است تا لاف اقل خلق اله بدانند کدام نظر و عمل آنها با این ضابطه تطبیق میکند و کدام برخلاف آنست.

سازمان امنیت که بموجب ماده ۳۵۶ قانون ۱۳۳۶ فقط در زمره مأمورین تعقیب جرائم و ضابطین نظامی تلقی شده است، طبق لایحه جدید گذرنامه دارای اختیاراتی میگردد که به مراتب وسیعتر از اختیارات مقامات قضائی کشور است زیرا مقامات قضائی فقط در موارد مشخصی که طبق آئین دادرسی کیفری تصریح شده است میتوانند کسانی را که تحت تعقیب جزائی قرار دارند از خروج از حوزه قضائی (آنهم تنها در مدت محدود دادرسی و طبق قرار مستدل مشخص) باز دارند ولی بنا بر لایحه جدید گذرنامه سازمان امنیت اختیار می یابد که بدوخواه خود و فقط «بر حسب اعلام قبلی و کتبی» هر آنکس را که مقتضی بدانند برای مدت نامحدود و بدون صدور هیچگونه قراری از جانب یک مقام قضائی از حق مسافرت بخارج محروم نماید و در برابر تصمیم خود سرانه ای این سازمان که عمده عامل ترور و اختناق در کشور ماست هیچ مرجع شکایت و تجدید نظری هم پیش بینی نشده است.

اگر باین اختیارات تشخیص «مصالح ملی» اختیارات وسیع دیگری را که قانون اسفند ماه ۱۳۳۶ باین سازمان پلیسی و جاسوسی بویژه در مورد تشخیص و قضاوت در مورد مرام و رویه جمعیت های سیاسی و

انطباق یا عدم آنها با قانون اساسی داده است ضمیمه کنیم آنگاه آشکار میشود که رژیم ضد دموکراتیک کنونی در وراء و مافوق قوای سه گانه کشور قوه دیگری بوجود آورده است که جز نام قوه ترور پلیسی و تقییش عقاید نام دیگری براننده وی نیست.

آنچه بیشتر منظور اصلی تقویض اختیارات جدید سازمان امنیت و هدفهای ترور رسم سیاسی آنرا روشن میسازد اینست که لایحه جدید در مورد صدور یا عدم صدور گذرنامه برای «کسانی که در خارج از ایران بسبب تکدی ویا واکردی ویا ارتکاب سرقت و کلاه برداری ویا بهر عنوان دیگر دارای سوء شهرت باشند» تشکیل کمیسیونی را مرکب از نمایندگان وزارت خارجه، وزارت دادگستری، وزارت کشور، سازمان امنیت و شهرداری کل برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم در نظر گرفته است و حتی مواردی را تحت عنوان «اضطراری ویا مرور زمان کافی به تشخیص کمیسیون مزبور» پیش بینی نموده که میتوان با شخص مذکور اجازه مسافرت داد، ولی در مورد افرادی که باصطلاح لایحه گذرنامه «مسافر نشان بخارج از کشور مخالف مصالح ملی» باشند، یعنی کسانی که دارای نظریاتی هستند که با سیاست رژیم تطبیق نمیکند هیچگونه مرجع رسیدگی جز اراده منطقی سازمان امنیت در نظر گرفته نشده است. در این مورد مانند موارد نظیر اتهامات سیاسی، سازمان امنیت هم تعقیب کننده، هم مدعی و هم قاضی است و کلیه اختیاراتی که طبق قانون دادرسی کیفری بمأمورین تعقیب جرائم، به قضائی تحقیق و دادستان و بنادگاهها تعلق دارد یکجا بساواک تفویض گردیده است.

تردیدی نیست که آنچه در لایحه گذرنامه «آئین نامه اجرائی این قانون» نامید شده و باید پس از تصویب لایحه «مقررات مربوط بترتیب صدور و تمدید و تجدید و اصلاح گذرنامه ها» را تعیین نماید، خود وسیله دیگری است برای تقویض اختیارات باز هم وسیعتر سازمان امنیت، برای اعمال فشار بیشتر نسبت بان ایرانیان مقیم خارجه که با حکومت مطنقه و سیاست ضد دموکراتیک رژیم مخالفند ویا علیه آن مبارزه بر خاسته اند.

بدیهی است تقویض چنین اختیار عام و خود سرانه به مرجع قضائی یا اداری بویژه سازمان امنیت که عمده وظیفه اش سرکوب و تارو مار جنبش دموکراتیک مردم ایرانست، معارض اصول قانون اساسی و نقض حقوقی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر برای هر انسان شناخته شده است.

اصل چهاردهم متمم قانون اساسی ایران در عداد «حقوق ملت ایران» آزادی رفت و آمد افراد را چه در داخل کشور و چه در خارج بنحو زیرین تصریح کرده است: «هیچیک از اربانان نمیتوان نفی بلیدا منع از اقامت در محل یا مجبور باقامت محل معینی نمود مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند.» بعبارت دیگر اصل آزادی رفت و آمد و مسافرت است و موارد استثناء بر این اصل را باید قانون بطور مشخص و صریح (نه بصورت عام، خود سرانه و بدوخواه آنچنانکه لایحه گذرنامه بخود

دنباله از صفحه ۱

ترور پلیسی

اتهام اقدام علیه سلطنت تیرباران شدند. روز چهارم خرداد، ه جوان دیگر باسامی محمد

اجازه داده است) تصریح نماید. این حق در بند دوم از ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، که علاوه بر جنبه بین المللی، بمناسبت امضاء دولت ایران و تصویب مجلس دارای اعتبار یک سند قانونی داخلی نیز هست بنحو آشکارتر و صریح تری بدین شرح بیان شده است: «هر کس حق دارد هر کشوری واز جمله کشور خود را ترک کند ویا بکشور خود باز گردد.»

بدین سان تعقیب قانونی گذرنامه نه تنها تعارض آنرا با اصول قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر آشکار میسازد بلکه هدف اصلی آنرا که عبارت است از گسترش دامنه ترور پلیسی و اختناق سیاسی بطور وضوح نشان میدهد. طرح این لایحه و اقدامات نظیر آن نقش عمده ای را که ساواک در مجموع سیاست ضد دموکراتیک رژیم کنونی ایران ایفاء

میکند روشن میسازد. رژیم حکومتی ایران که سرکوب سیستماتیک جنبش توده های مردم را بمثابة سیاست مستمر و آگاهانه دولت تعقیب میکند، میگوید خود سرانه و بیقانونیهای سازمان امنیت را، که از ارکان اصلی این ترور سیاسی است، با ظواهری از «قانونیت» بیوشاند و چنین وانمود سازد که گویا اقدامات این سازمان پلیسی در چهار چوب قوانین اساسی ایران انجام میگردد. بهمین جهت با اینکه مدتهاست صدور، تمدید و تجدید گذرنامه ها عملاً تحت کنترل سازمان امنیت در آمده و اختیاراتی که بموجب قانون مذکور ۱۳۱۱ بوزارت خارجه، شهرداری و مأمورین کنسولی دولت ایران در خارجه تفویض گردیده در عمل از آنها سلب شده است، دولت از چند سال پیش در صدد بر آمده است تحت عنوان قانون گذرنامه این واقعیتی که اکنون برای همگان عیان است بازنگر و روغن «قانونی» بباراید.

تحلیل لایحه جدید گذرنامه یکبار دیگر این حقیقت را آشکار میسازد که مبارزه در راه حصول آزادیهای دموکراتیک مستلزم یکبار همه جانبه علیه سیاست ترور و اختناق و در مرحله اول عامل اصلی اجراء این سیاست یعنی سازمان امنیت است.

مبارزه متحد و همه جانبه کلیه نیروهای ضد امپریالیست، دموکراتیک و ترقیخواه جامعه ایران برای لغو اختیارات خود سرانه و غیر قانونی سازمان امنیت و انحلال این مؤسسه جاسوسی تحت فرمان امپریالیسم، مهمترین عامل پیروزی در این نبرد است.

در لایحه جدید گذرنامه نکات دیگری نیز که حاکی از جنبه غیر دموکراتیک مقررات آنست وجود دارد. ولی نظر باینکه مقررات مزبور، واز جمله محدودیتی که برای زنان تحت عنوان کسب اجازه از شوهر برای مسافرت بخارج قائل میشوند، نسبت به هدف سیاسی لایحه جنبه فرعی دارند ما در این مقاله از بحث درباره آنها خودداری نموده بخصیصت اصلی طرح جدید قانون گذرنامه بمثابة یکی از مظاهر سیاست ضد دموکراتیک رژیم پرداخته ایم. ا. کیوان

حنیف نژاد، عبدالرسول مشکین فام، محمد عسکری زاده، سعید محسن و اصغر بدیع زادگان با همان اتهام گروه نخست تیرباران شدند. روز ۲۵ تیر علی یار ریحانی منفرد با اتهام «خرابکاری» در میدان تیر یادگان اهواز تیرباران شد و سرانجام روز ۳۱ ژوئیه چهار نفر به اسامی رزاق یاسین زاده، محمد کعبی، سید فاخر جغاوله و سید حمید موسوی در سوسنگرد تیرباران شدند.

(۲) طی این مدت تعداد زیادی در زود خورد های خیابانی بدست مأموران رژیم بقتل رسیده اند از آنجمله: روز ۱۶ اردیبهشت جوانی بنام حبیب رهبری در خیابان فرهنگ بدست مأموران از پای در آمد. روز ۱۸ اردیبهشت علی اصغر منتظری در خیابان با گلوله آدمکشان سازمان امنیت بقتل رسید. روز ۲۶ اردیبهشت در نمایشگاه بین المللی ایران جوانی مورد سوءظن قرار گرفت و از پای در آمد که حتی هویت او هم نامعلوم ماند.

در تاریخ ۳ تیر جوان دیگری بنام حسن معصومی همدانی در خیابان شهر بدست مأموران کشته شد. روز ۲۵ تیر در خیابان لاله زار عباس جمشیدی رودباری بضرر گلوله از پا افتاد. در تاریخ ۲۶ تیر ماه جوان ۲۲ ساله ای در خیابان اقبال با گلوله یک سر یاسبان کشته شد که هویت او نیز مجهول ماند، روز ۲ مرداد خانه ای در سلیمانیه که ظاهرأ محمد صفاری آشتیانی در آن سکونت داشت محاصره و به گلوله بسته شد و پس از چند ساعت تیراندازی صفاری آشتیانی بقتل رسید. روز ۷ مرداد خانه دیگری واقع در تهران از طرف مأموران دولت محاصره شد و سه جوان بنامهای فرخ سپهری فرامرزشریفی و مهدی فضیلت کلام در اثر تیراندازی مأموران بقتل رسیدند.

(۳) علاوه بر این قتل های رسمی و غیر رسمی در این مدت عده زیادی بازداشت شده اند که از سرنوشت شان اطلاعی در دست نیست، از آنجمله اند سه نفر در اصفهان و عده دیگری در تهران. دادگاههای نظامی نیز در این مدت روز و شب در کارند و بدون احساس ذره ای مسئولیت، بفرمان سازمان امنیت احکام مرگ و حبسهای دراز مدت صادر میکنند.

همراه با این بگیر و ببند ها و کشت و کشتار ها، نمایشهای تهوع آور مصاحبه های کذائی مأمورین سازمان امنیت در رادیو و تلویزیون با باصطلاح «نادمین» از نو بسخنه آمده بمثابة حلقه ای از زنجیر تبلیغات رسمی ضد کمونیستی مورد استفاده رژیم قرار گرفته است.

آنچه در این میان مضحکتر از همه است جریان زود و خورد های خیابانی مأموران رژیم است. معلوم نیست آنها بر اساس کدام ضابطه قانونی بخود حق میدهند فرد مورد «سوءظن» را قبل از آنکه هویت او از طرف مرجع صلاحیتدار قضائی تصدیق

دنباله از صفحه ۱

سیاست خارجی دولت و خلیج فارس

سیاسی و تبلیغاتی نداشت. طبق مندرجات جراید عربی، دولت ایران در این دوره از اسلحه و کارشناس به صحنه‌های داخلی این اباد نکرده، در مورد جمهوری توده‌ای دمکراتیک توده یمن هم، سیاست ایران، بطوری که در جهت تقویت ارتجاع و تضعیف ضدارتجاع بود. در همان حال که دولت ایران، به رژیم مترقی جمهوری دموکراتیک توده‌ای یمن ابراز سره‌ظن کرده و از استقرار هرگونه مناسبات دوستانه با آن خود داری نهوده است، روابط خود را با سلطان نشین عمان، که در آن یک سلطان مستبد ظالم حکومت می‌کند پیوسته بسط داده است، سلطان قابوس سال گذشته برای شرکت در مراسم جشن دو هزار و پانصد سالگی به ایران آمد و مورد پذیرایی و احترام فوق العاده مقامات ایرانی قرار گرفت. اخیراً سید یونین بن شهاب مشاور مخصوص سلطان و شخصیت دوم این کشور به ایران آمد. در مذاکراتی که میان مقامات دولتی ایران انجام گرفت، موافقت‌هایی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی میان دو کشور بعمل آمد. روزنامه‌های ایران، از این ملاقات با آب و تاب فراوان یاد می‌کنند. روزنامه کیهان می‌نویسد: «ایران و عمان که کمتر از دو سال است با یکدیگر رابطه برقرار کرده‌اند، اکنون خواستار همکاری وسیعی در امور مختلف هستند.» روزنامه اطلاعات نیز از زبان مدیر خود آقای عباس مسعودی که خود را کارشناس درجه اول مسائل خلیج فارس می‌داند، اهمیت این ملاقات و مذاکرات را تأکید می‌کند.

توطئه علیه یمن جنوبی

حقیقت اینست که دوستی دولت ایران با سلطان نشین عمان و دشمنی آن با دولت مترقی یمن جنوبی بی دلیل نیست. این ناشی از ماه خصلت آنست. گذشته از آن نزدیکی با سلطان نشین عمان، نه تنها بمنظور اعمال فشار به مبارزان انقلابی ظفارست، بلکه در عین حال بمنظور اعمال فشار بر جمهوری دموکراتیک توده‌ای یمن است. بطوریکه می‌دانیم اخیراً توطئه‌های امپریالیستی برای سرنگون کردن دولت مترقی یمن جنوبی وارد مرحله تازه گشته است. مدتی پیش هوایما‌های نظامی انگلیسی که از پایگاه‌های نظامی عمان پرواز می‌کنند، مناطق مترقی یمن دموکراتیک را مورد حمله قرار دادند. در مرزهای شمالی یمن دموکراتیک هم اکنون گروه‌های خرابکار که با سلاح‌های امریکائی و انگلیسی مجهزند و دولت عربستان سعودی از آنها پشتیبانی می‌کند، مصممند که دولت یمن دموکراتیک را سرنگون کنند و یک دولت دست نشانده بجای آن بکارند. بطوریکه روزنامه لبنانی «المحرر» می‌نویسد توطئه گران در صدد تشکیل یک «دولت موقت» و هجوم مسلح بر یمن دموکراتیک هستند. این روزنامه، این فعالیت‌های خرابکارانه را با سفر اخیر وزیر خارجه امریکا و پیام راجرز به کشورهای شبه جزیره عربستان

و به تحریکات سازمان‌های جاسوسی انگلیسی مربوط می‌داند. روزنامه «المحرر» اضافه می‌کند، هدف امپریالیست‌های انگلیسی از بمباران مناطق شرقی جمهوری دموکراتیک توده‌ای یمن اینست که توجه دولت یمن جنوبی را به مرزهای شرقی جلب کند و سپس از مرزهای شمالی، بوسیله گروه‌های خرابکار آن کشور را مورد هجوم قرار دهند، در تمام این توطئه‌هایی که بر ضد یمن دموکراتیک انجام می‌گیرد. پایگاه‌های نظامی انگلستان در سلطان نشین عمان نقش بسیار مهمی بازی می‌کند، و درست در جریان همین توطئه‌هاست که دولت ایران، تصمیم به بسط همه جانبه روابط با سلطان قابوس فرمانروای عمان گرفته است.

هدف دیگر: سرکوب جنبش ظفار

یکی دیگر از هدف‌های دولت ایران در بسط مناسبات با سلطان قابوس سرکوبی مبارزان مسلح ظفارست. روزنامه کیهان در این باره می‌نویسد: «ناظران امور خاسطر نشان می‌سازند که بدون شک از مهمترین مسائل مورد بحث مشاور سلطان قابوس با

دنباله از صفحه ۲

توطئه برای ادامه غارتگری کنسرسیوم

همین نکته اساسی توافق کرده است. مطبوعات ایران پنهان نمی‌کنند که «توافقی‌های اصولی در زمینه عقد موافقتنامه جدید با کنسرسیوم نفت ظاهراً طی دو مرحله گفتگو‌های قبلی انجام شده است، لذا میتوان گفت مسائلی که فعلاً بین طرفین مطرح است است بیشتر جنبه فنی دارد.» (کیهان اول مرداد ۱۳۵۱) بسخن دیگر دولت ایران قراردادی را که مردم ایران خائنه میدانند و هرگز برسمیت نشناخته‌اند، قراردادی را که حتی برخی از محافل حاکمه ایران و از جمله خود عاقدین قرارداد (شاه و امینی) به «غیر عادلانه» بودن آن اعتراف کرده‌اند پنهان از مردم ایران تمدید کرده و تا ۲۲ سال دیگر بزرگترین ثروت ملی ایران را در اختیار انحصارات غارتگر نفت قرار داده است.

تمدید قرارداد کنسرسیوم زمانی صورت می‌گیرد که جنبش ملی کردن صنایع نفت در کشورهای صادر کننده نفت رو به اوج است و انحصارهای نفتی در برابر فشار کشورهای صادر کننده نفت در تنگنا و بدست و با افتاده‌اند. بسخن دیگر امکان مقابله با انحصارهای نفتی در اتحاد با سایر کشورهای صادر کننده نفت برآتبیش از گذشته‌است و این امکان در آینده باز هم افزایش خواهد یافت. آتوقت کشوری که بیست سال پیش نفت خود را ملی کرده، نه فقط از این امکان برای اعمال حق حاکمیت خود و احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت استفاده نمی‌کند، بلکه تا ۲۲ سال دیگر تسلط و غارتگری کنسرسیوم بین المللی نفت را تضمین میکند. محافل حاکمه ایران میکوشند با جنجال تبلیغاتی معمولی خود در باره مسائلی از قبیل افزایش تولید نفت و افزایش بهای نفت و در نتیجه افزایش درآمد ایران از نفت و همچنین مسائلی از قبیل ورود ایران به بازار جهانی نفت و پس گرفتن قسمتی از اراضی منطقه

دنباله از صفحه ۲

ترور پلیسی

شود قبل از آنکه «جرم» او بوسیله مرجع صلاحیتدار قضائی مورد رسیدگی قرار گیرد و اثبات گردد، به محض بسر خورد و صرفاً بر پایه «سوء ظن» تیرباران کنند؟

اعلامیه‌های سازمان امنیت که هر بار پس از کشتن یک یا چند جوان، بخشنامه وار در روزنامه‌های دولتی منتشر میشود، بعد کافی افشاگر اقدامات غیر قانونی رژیم است و بوضوح نشان میدهد که چگونه سازمان امنیت جایگزین تمام ارگان‌های قضائی شده‌است. مأموران این سازمان جهانی هستند که «سوء ظن» می‌برند، «شناسائی» میکنند، به گلوله می‌بندند و خود اعلامیه بیرون میدهند و با وقاحت تمام صحنه‌های آدمکشی خود را با آب و تاب توصیف میکنند. هوبت این مقتولین فقط پس از مرگ و آنهم از طرف جاسوسان سازمان امنیت اعلام میشود. حتی در مواردی مقتول مجهول الهویه میماند و معلوم نیست، که بوده و بچه علت و به چه گناهی کشته شده است.

اینچنین نقض آشکار قوانین و اینچنین خود کامگی و تعدی و تجاوز بحقوق مردم در سراسر جهان بمانند است. آتوقت چنین رژیمی که بی پروا تمام موازین دمکراسی و قانونیت را زیر پا گذارد، سالوسانه «مشروطیت» را جشن می‌گیرد و دم از «قانون» و «انقلاب» میزند. رژیمی که آتقدر مستبد است که

کنسرسیوم و نظائر آن، توجه افکار عمومی مردم ایران را از خیانت جدید بزرگی که بمنافع ملی و حق حاکمیت ملی ما انجام گرفته، منحرف سازند. ولی هیچ جنجال تبلیغاتی و هیچ سفسطه‌ای نمیتواند این واقعیت را بپوشاند که بزرگترین انحصارات نفتی امپریالیستی تا ۲۲ سال دیگر همچنان بزرگترین ثروت ملی ما را بغارت خواهند برد. علاوه بر این غارتگری، عواقب شوم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی این تسلط امپریالیستی بر بزرگترین ثروت ملی ما، می‌گذرد؛ بر همه روشن است و نیازی به توضیح ندارد. از جانب دیگر سازش یک جانبه دولت ایران با کنسرسیوم (که در واقع همان کارتل بین - المللی نفت است) در این مسئله حیاتی، بمعنی ایجاد شکاف در اوبک و در نتیجه تضعیف اوبک در مبارزه بر ضد انحصارات نفت است. دولت ایران بدین ترتیب در صحنه جهانی نیز به جبهه کشورهای صادر کننده نفت در برابر جبهه انحصارات نفتی ضربه جدی و سنگینی وارد آورده است.

نظر حزب ما در باره مسئله نفت در اظهاریه اخیر هیئت اجرائیه و روشنی بیان شده است. ما تردیدی نداریم که خیانت جدید هیئت حاکمه در مسئله نفت، علی رغم رژیم ترور و اختناق، مبارزه مردم ایران را برای اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت بنرخته کیفی نوینی ارتقاء خواهد داد.

حتی احزاب اقلیت آفریده خود را نمیتواند

تحمّل کند، «سرور پزشکی پور» رهبر حزب دولتی پان ایرانیست را خانه نشین میکند و علمتی کئی رهبر حزب دولتی مردم را مجبور به استعفا مینماید، رباکارانه

در «ثنای» انقلاب مشروطیت داد سخن میدهد. انقلاب مشروطیت برای آن بود که حقوق مردم مصون از تعرض شاهان مستبد باشد، مردم حق آزادی عقیده و بیان داشته باشند، اراده مردم حکومت کند و نه اراده فرد. اما اکنون پس از ۶۵ سال تمام دستاورد‌های انقلاب مشروطیت پایمال سلطنت مطلقه شده و حقوق مردم تماماً دستخوش خشونت آدمکشان سازمان امنیت است.

اقدامات غیر قانونی رژیم هیچ توجیهی ندارد و به عبث کوشش میشود که اقدامات چریک‌های شهری را بهانه ترور و آدمکشی قرار دهند، برعکس فقدان دموکراسی اعمال فشار بر مردم و تجاوز به حقوق مردم است که در زمره علل دیگر، چریک شهری آفریده است.

ما ضمن اعتراض شدید به بی قانونی رژیم نمیتوانیم عمیقاً متأسف باشیم که اقدامات چریک‌های شهری خود کشی فردی و سیاسی است و تنها بهانه تشدید ترور و اختناق به دستگاهی میدهد که برای این تشدید همه جا در جستجوی بهانه است. جوانانی که در صورت اتخاذ راه تشکیک و تجهیز مردم راه تکیه به سازمان سیاسی میتوانند در تسریع پیروزی خلق خود مؤثر واقع شوند با توسل به اقدامات بسی ثمر شرایط مبارزه مردم را بیش از پیش مشکل می‌کنند و انرژی انقلابی خود را که میتواند در جهت صحیح بکار افتد عبث می‌دهند.

مینو

## آگهی

«نظری به جنبش کارگری

و کمونیستی در ایران»

مجموعه مقالات تألیف رفیق

فقید عبدالصمد کامبخش

منتشر شد

خوانندگان عزیز!

باین آدرس با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034

10028 Stockholm 49

Sweden

# نتایج پیکارهای چهار ماهه مردم ویتنام جنوبی

بیش از ده سال است که امپریالیسم آمریکا علیه مردم ویتنام میجنگد و برای تحمیل حکومتهای دست نشانده و نیل به هدفهای نو استعماری از توسل به وحشیانه ترین جنایتها فروگذار نمیکند. ولی چنانکه واقعیات نشان میدهد دامنه عظیم این جنایتها نتوانسته و نخواهد توانست تجاوزکاران را بمقصد برساند. آن دورانی که امپریالیستها قادر بودند اراده خود را بر خلقها تحمیل کنند برای همیشه سپری شده است. سیاست «تصاعد تجاوز» و «ویتنامی کردن جنگ» در نتیجه مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام و میهن پرستان لائوس و کامبوج شکست میخورد و این حقیقت یکبار دیگر به ثبوت میرسد که در عصر ما کوشش امپریالیستها برای تکیه به زور در حل مسائل بین المللی کوشش عبثی است.

طبق اطلاعاتی که رادیو هانوی در اول اوت پخش کرده میهن پرستان ویتنام جنوبی طی نبردهای چهار ماه گذشته نزدیک به ۲۰۰ هزار تن سرباز و افسر دشمن را نابود کردند، ۲۰ هزار تن اسیر گرفتند که در بین آنها عده زیادی از افسران ارتش سایگون و تجاوزکاران آمریکائی هستند.

دو لشکر سایگون بکلی تار و مار شده است؛ لشکر سوم در «کوانگ تری» و لشکر بیست و دوم در «کنتم» طی نبردهای ماه آوریل معدوم گردیدند و به چهار لشکر دیگر ضربات سنگینی وارد آمد. ۳۰ هنگ، ۱۵۵ گردان پیاده، ۱۰ هنگ تانک، ۲۰ لشکر توپخانه بکلی تار و مار شدند یا تلفات سنگینی دیدند. میهن پرستان ویتنام جنوبی طی عملیات جنگی ۵۴۰۰ ماشین جنگی از آنجمله ۱۸۰۰ تانک و اتومبیل زره پوش را منهدم ساختند و با غنیمت گرفتند، ۱۲۰۰ توب دشمن را نابود کردند و ۳۵ هزار قبضه سلاحهای گوناگون و صدها هزار تن مهمات به چنگ آوردند. بخشهای دفاع ضد هوایی ۱۳۰۰ هواپیما و هلیکوپتر دشمن را ساقط کردند و با در فرودگاهها منهدم ساختند، ۲۶۵ انبار سوخت و مهمات را منفجر نمودند و در نقاط مهم استراتژیک ۲۵۰ پل را خراب کردند.

بدست میهن پرستان ۵۷ پایگاه جنگی دشمن، ۸ فرودگاه و تجهیزات یک بندر منهدم گردیده وزیر ضربات دستجات مسلح نیروهای رهائی بخش خلق ۲۳ تکه گاه و بیش از ۱۵۰۰ پاسگاه دشمن سقوط کرده است. جمعیت اراضی واقع بین «کوانگ تری» و دماغه «کامائو» که طی چهار ماه اخیر آزاد شده است از دو میلیون نفر تجاوز میکند.

روزنامه «نیان زان» در سرمقاله شماره اول اوت می نویسد: پیروزیهای خلق ویتنام جنوبی با مبارزه قهرمانانه و کار خستگی ناپذیر

مردم ویتنام شمالی ارتباط ناگسستی دارد. این پیروزیها در نتیجه اتحاد خلقهای هندوچین ممکن گردید. پشتیبانی کشورهای برادر سوسیالیستی و همه خلقهای جهان از آنجمله نیروهای ترقی خواه آمریکا کمک کرده است تا این پیروزیها بدست آید.

دنباله از صفحه ۱

مناسبات ایران و شوروی ۵۰ هزار تن مرکبات به اتحاد شوروی صادر خواهد شد.

موافقت شده است که کارشناسان شوروی برای تبدیل بخشی از جنگلهای شمال بمزارع مطالعه کنند.

برای استفاده از رود اترک موافقت بعمل آمده است.

قرار است برای استفاده از گاز ناحیه سرخس مطالعه بعمل آید.

برای شرکت اتحاد شوروی در طرحهای عمرانی نقشه پنجساله در سال ۱۹۷۳ کیسویونی تشکیل خواهد شد.

از همین نخستین اطلاعات درباره نتیجه چهارمین اجلاسیه وزیران ایران ایران شوروی میتوان دریافت که در زمینه بسط مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فنی بین ایران و اتحاد شوروی گام مهم جدیدی برداشته شده است.

و این واقعیت نمیتواند مورد تأیید و پشتیبانی نیروهای مترقی و ملی و دمکراتیک قرار نگیرد. این نتایج در همانحال صحت سیاست و ارزبایی حزب مارا در مورد مناسبات ایران با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بار دیگر ثبوت رساند:

۱) برای بسط مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فنی بین ایران و شوروی و هم چنین سایر کشورهای سوسیالیستی امکانات وسیعی وجود دارد. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی همواره آمادگی خود را برای بسط همه جانبه روز افزون این مناسبات براساس سیاست همزیستی مسالمت آمیز بین نظامهای سیاسی و اجتماعی گوناگون اعلام داشته اند.

۲) دولت ایران تحت فشار افکار عمومی مردم ایران، نیاز اقتصادی کشور و تشیر تناسب قوا بسودنیروهای صلح، دمکراسی و سوسیالیزم، گامهای مهم و جدی در زمینه گسترش مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فنی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برداشته است.

۳) دولت ایران تحت فشار دولتهای امپریالیستی و بعثت و ایستگیهای خود به امپریالیسم هنوز از تمام امکانات موجود برای بسط مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فنی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بحد اکثر استفاده نمیکند.

۴) بسط مناسبات بازرگانی و اقتصادی

دنباله از صفحه ۳

## سیاست خارجی دولت

مقامات ایرانی درگیری دائمی نیرویهای دولتی عمان با شورشیان ظفار است که آرامش و امنیت آن منطقه را مختل ساخته اند و احتمالاً مشاور سلطان عمان در این زمینه چاره جوئی هائی خواهد کرد.

«شورشیان ظفار» که مدتهاست روزنامه های دولتی ایران با ترس از آنها یاد می کنند، گروهی از مردم بی خانمان و استعمار زده عمان هستند که برای تحصیل حقوق انسانی خود، و شکستن قدرت استعمار و رژیم دست نشانده آن، سلاح بدست گرفته اند، تمام کوششهای سلطان سابق عمان و پسر او سلطان قباوس و همچنین مشاوران انگلیسی ارتش عمان، برای سرکوبی آنها تا کنون بی نتیجه مانده است. اکنون دولت ایران موقع را مساعد دیده است که او نیز در این ماجرا وارد شود. از جزئیات موافقتهایی که در این زمینه میان سید ثوینی بن شهاب و مقامات ایرانی بعمل آمده است خبری در دست نیست. ولی از ترکیب هیئت مذاکره کنندگان با مشاور سلطان قباوس استنباط میشود که حداقل در زمینه ارسال اسلحه و مهمات به عمان، برای مبارزه با انقلابیون «ظفار» مذاکراتی بعمل آمده و تصمیماتی اتخاذ شده است.

مداخله ایران در امور داخلی عمان عملی است که با توجه به بفرنجی اوضاع این کشور برای کشور ما عواقب بسیار

وفنی بین ایران و اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، که نتایج آن بصورت کمک واقعی و اساسی به صنعتی کردن و تقویت اقتصاد ملی ایران بروز میکند، بیش از پیش مؤید این حقیقت است که این مناسبات بسود مردم ایران، بسود اقتصاد ملی ایران و در جهت تضعیف پایگاههای امپریالیسم در ایران است. احداث کارخانههای مورد نیاز ایران و خرید روز افزون محصولات صنعتی و کشاورزی ایران توسط اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی - یعنی درست همان کاری که امپریالیستها هم خود تمایلی به انجام آن ندارند و هم در انجام آن توسط اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی خرابکاری میکنند. در همینجاست که مخالفت از «چپ» با این مناسبات و بسط آن، به این بهانه که گویا این مناسبات بمعنای «تقویت رژیم ارتجاعی ایران است»، علی رغم ظاهر «انقلابی» این مخالفت، چیزی جز عمل در جهت منافع امپریالیسم و ارتجاع نیست.

شایان ذکر است که یک نشریه فارسی وابسته به آلبنائی ناگهان از اینکه گویا مناسبات ایران و شوروی «رو بسردی گزائیده» خبر میدهد، بدون آنکه خوشحالی خود را پنهان دارد. موافقتهای جدید بین ایران و شوروی در زمینه بسط مناسبات بازرگانی و اقتصادی

وخیم در بر دارد. دولت ایران، بهیچ عنوان حق ندارد، که سلطان قباوس را در سرکوبی انقلابیون ظفار مورد مساعدت قرار دهد. تجربه نشان میدهد که حتی دولت نیرومندی مانند ایالات متحده آمریکا، بدنبال شرکت در مبارزه داخلی در ویت نام جنوبی، دچار چه اشکالات بزرگی گردیده است.

شرکت در توطئه ها را محکوم می کنیم

ما در اسناد رسمی و مطبوعات حزبی خود بارها نظر خود را درباره سیاست خارجی دولت ایران اعلام کرده ایم. ما هوادار استقرار و بسط مناسبات سیاسی با تمام کشورها بر اساس رعایت احترام متقابل، حفظ حقوق و حاکمیت ملی خود هستیم. در این مورد ما هیچ کشوری را مستثنی نمی کنیم، ولی در عین حال با شرکت در توطئه های ارتجاعی برای بر انداختن دولت های مترقی و سرکوبی نهضت های انقلابی اکتفا می کنیم، کشور ما یکی از کشورهای مجاور خلیج فارس است. این مجاورت برای حقوقی ایجاد میکند که باید مورد احترام قرار گیرد. هر کس بخواهد باین حقوق تجاوز کند باید با آن مبارزه کرد. ولی در همانحال، سایر خلقهای ساکن کشورهای مجاور خلیج فارس هم حقوقی دارند که باید بهمین شکل مورد احترام قرار گیرد. دولت ایران حق ندارد که نقش ژاندارم منطقه ای را بازی کند. این بازی گران قیمت و خطرناکی است که میتواند برای کشور ما عواقب وخیم ایجاد کند.

رامین

وفنی بین دو کشور بار دیگر نشان میدهد که اولاً متحدین امپریالیستها در تخریب مناسبات ایران و شوروی کبستند. ثانیاً بار دیگر عدم درک آنها را از سیر حوادث سیاسی ثبوت میرساند. ثالثاً اینها، که مانند همیشه آرزوها و تمایلات خود را بجای واقعیت میگذارند، بار دیگر با ناکامی روبرو شده اند.

بنظر ما نیروهای مترقی و ملی و دمکراتیک در مورد مناسبات ایران با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در برابر دو وظیفه قرار دادند: نخست آنکه باید با مبارزه خود دولت ایران را وادارند که از امکانات موجود برای بسط مناسبات بحد اکثر استفاده کند. مقامات دولتی ایران که خود بارها به تمرینش بودن این مناسبات اعتراف کرده اند، هیچگونه دلیل معقولی برای عدم استفاده حد اکثر از امکانات موجود ندارند. دیگر اینکه نقش مخرب در این مناسبات را، صرف نظر از اینکه خرابکاران چه رنگی داشته باشند، چه بهانه ای بیاورند و چه نامی بر خود بگذارند، باید اذعان کرد و آنها را منفرد ساخت.

حزب ما در این هر دو زمینه مانند همیشه با استواری، بیگیری و اصولیت و بوظایف ملی و انقلابی خود عمل خواهد کرد.

م. انوشه